

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان درس:	فقه نظام سیاسی	جلسه ۱۲	تاریخ درس:	۱۳۹۹/ ۸/ ۳
عنوان فرعی ۱	عدل اقتصادی			
عنوان فرعی ۲	رابطه عدل با تفاوت های اجتماعی			
عنوان فرعی ۳	نمونه هایی از نفی امتیازات اقتصادی مبتنی بر تفاوت اجتماعی در سیره اهل بیت <small>علیهم السلام</small>			
مقرر:	حجت الاسلام والمسلمین زحمتکش			

بحث در شواهد و مصادیق و نمونه هایی از عدل اقتصادی و به تعبیری دیگر از نفی امتیازات مبتنی بر تفاوت اجتماعی در عرصه اقتصاد بود.

❖ شیخ مفید از کتاب ابن دأب درباره سیره امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می کند:

ثُمَّ الْقَسَمُ بِالسَّوِيَّةِ وَالْعَدْلِ فِي الرَّعِيَّةِ وَلِيَّيْتِ مَالِ الْمَدِينَةِ عَمَّارُ بْنُ يَاسِرٍ وَأَبَا الْهَيْثَمِ بْنِ التَّيْهَانِ فَكَتَبَ: «الْعَرَبِيُّ وَالْقُرَشِيُّ وَالْأَنْصَارِيُّ وَالْعَجَمِيُّ وَكُلُّ مَنْ كَانَ فِي الْإِسْلَامِ مِنْ قَبَائِلِ الْعَرَبِ وَأَجْنَابِ الْعَجَمِ سَوَاءً». فَأَتَاهُ سَهْلُ بْنُ حُنَيْفٍ بِمَوْلَى لَهُ أَسْوَدَ فَقَالَ كَمْ تُعْطِي هَذَا؟ فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: كَمْ أَخَذْتَ أَنْتَ؟ قَالَ ثَلَاثَةَ دَنَانِيرَ وَكَذَلِكَ أَخَذَ النَّاسُ، قَالَ: فَأَعْطُوا مَوْلَاهُ مِثْلَ مَا أَخَذْتَ ثَلَاثَةَ دَنَانِيرَ. فَلَمَّا عَرَفَ النَّاسُ أَنَّهُ لَا فَضْلَ لِبَعْضِهِمْ عَلَى بَعْضٍ إِلَّا بِالتَّقْوَى عِنْدَ اللَّهِ أَتَى طَلْحَةَ وَالزُّبَيْرُ، عَمَّارُ بْنُ يَاسِرٍ وَأَبَا الْهَيْثَمِ بْنِ التَّيْهَانِ فَقَالَا يَا أَبَا الْتَقْطَانِ اسْتَأْذِنَ لَنَا عَلَى صَاحِبِكَ، قَالَ: وَعَلَى صَاحِبِي إِذْنُ؟

گفت: یار و صاحب من (حضرت امیر علیه السلام) مگر اذن می خواهد؟ دربان و حاجبی ندارد که شما می خواهید برای شما اذن بگیرم.

فَدَاخَذَ يَدَ أَجِيرِهِ وَأَخَذَ مِكْنَلَهُ وَمَسَحَاتَهُ وَذَهَبَ يَعْمَلُ فِي نَحْلِهِ فِي بَيْتِ الْمَلِكِ

کسی که شما می خواهید برای دیدارش اذن بگیرید، بیل و کلنگش را برداشته و مشغول کشاورزی است.

وَكَانَتْ بَيْتُ بَيْعٍ سُمِّيَتْ بِبَيْتِ الْمَلِكِ فَاسْتَخَرَجَهَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام وَغَرَسَ عَلَيْهَا النَّخْلَ

که در همین منطقه مسجد شجره و آبار علی علیه السلام است به آن بئر ملک هم می گویند که در جایی دیدم که حضرت در دوران خانه نشینی شان، ۵۰۰ چاه با دست خودشان در مناطق اطراف مدینه حفر کرده است که

نشان دهنده آن است که یکی از مأموریت‌های امام و فرمانروای الهی، امارت الارض و آبادانی زمین است؛ لذا وقتی خلافت ظاهری را از حضرت گرفتند، حضرت بقیه مأموریت‌های امامتی را انجام می‌داده نظیر همین آبادسازی زمین و اشراف بر جامعه اسلامی و نظیر جلوگیری از انحرافات؛ و آنچه در حوزه امکانات بوده، حضرت به عنوان امیرالمؤمنین همچنان آن مأموریت را انجام می‌داده است. لذا گفته‌ایم که این تصور اشتباهی است که کسی خیال کند امیرالمؤمنین علیه السلام و امام مجتبی علیه السلام و سید الشهدا علیه السلام و ائمه بعد از آنها علیهم السلام هیچ ممارستی نسبت به کار خلافت خدا و رسول الله صلی الله علیه و آله انجام نمی‌دادند و فرمانروایی نمی‌کردند، بلکه تمامی ائمه اطهار علیهم السلام آن مأموریت فرمانروایی را انجام می‌دادند و رهبر سیاسی بودند، منتهی در حوزه امکاناتی که داشتند اعمال ولایت می‌کردند و اینطور نبوده که به دلیل اینکه غصب خلافت شده، از تمام مأموریت‌های ولایتی خودشان را کنار بکشند؛ لذا خمس و زکات می‌گرفتند و اگر می‌توانستند اجزای حد می‌کردند و ...

فَهَذَا مِنْ عَدْلِهِ فِي الرَّعِيَّةِ وَقَسَمِهِ بِالسَّوِيَّةِ<sup>۱</sup>

❖ همچنین مرحوم شیخ مفید از کتاب ابن دأب در فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می‌کند که از عبارت

شاید این طور استفاده شود که این ماجرا بعد از ضربت خوردن حضرت بوده است:

«ثُمَّ دَخَلَ النَّاسُ عَلَيْهِ قَبْلَ أَنْ يُسْتَشْهَدَ يَوْمَ فَشْهِدُوا جَمِيعًا أَنَّهُ قَدْ وَفَّرَ فَيْئَهُمْ وَظَلَفَ<sup>۲</sup> عَنْ دُيَاهِهِمْ وَلَمْ يَرْتَشِ فِي إِجْرَاءِ أَحْكَامِهِمْ وَلَمْ يَتَنَاوَلْ مِنْ بَيْتِ مَالِ الْمُسْلِمِينَ مَا يُسَاوِي عَقَالًا<sup>۳</sup> وَلَمْ يَأْكُلْ مِنْ مَالِ نَفْسِهِ إِلَّا قَدْرَ الْبُلْعَةِ وَشَهِدُوا جَمِيعًا أَنَّ أَبْعَدَ النَّاسِ مِنْهُمْ بِمَنْزِلَةِ أَقْرَبِهِمْ مِنْهُ»<sup>۴</sup>

شاهد بحث ما در جمله آخر است: «أَنَّ أَبْعَدَ النَّاسِ مِنْهُمْ بِمَنْزِلَةِ أَقْرَبِهِمْ مِنْهُ»؛ دور و نزدیک و قوم و خویش و رفیق و دوست، برای حضرت معنا نداشت و همه نزد حضرت یکسان بودند.

❖ همچنین شیخ مفید به سندش از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند از محمد بن حنفیه:

روایت مفصل است که حضرت در پاسخ می‌دهد به پرسش رئیس یهودیان که خدمت حضرت آمده بود و پرسش‌هایی را مطرح کرد. در ضمن این روایت حضرت سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله را اینگونه بیان می‌دارند:

۱. اختصاص؛ ص ۱۵۲.

۲. یعنی: اعرض عن دناهم.

۳. زانو بند شتر.

۴. اختصاص؛ ص ۱۶۰.

«لَقَدْ كَانَ مِنْ تَأْلُفِهِ لَهُمْ أَنْ كَانَ النَّاسُ فِي السَّكَنِ وَالْقَرَارِ وَالشَّبَعِ وَالرَّيِّ وَاللَّبَاسِ وَالْوِطَاءِ وَالذَّئَارِ وَنَحْنُ أَهْلُ بَيْتِ مُحَمَّدٍ ﷺ لَا سُقُوفَ لِبُيُوتِنَا وَلَا أَبْوَابَ وَلَا سُورَ إِلَّا الْجُرَائِدُ وَمَا أَشَبَّهَا وَلَا وَطَاءَ لَنَا وَلَا ذِئَارَ عَلَيْنَا تَدَاوَلْنَا الثُّوبَ الْوَاحِدَ فِي الصَّلَاةِ أَكْثَرُنَا وَنَظَوِي الْأَيَّامَ وَالْيَأْيَ جُوعًا عَامَّتَنَا»<sup>۳</sup>

نه اینکه آنها نداشتند، بلکه یعنی رسول اکرم ﷺ مردم را بر خود ترجیح می داد و اینکه می فرماید «كَانَ النَّاسُ فِي السَّكَنِ وَالْقَرَارِ وَالشَّبَعِ...» این هم از دست آورد رسول اکرم ﷺ بوده است.

❖ زمخشری مفسر معروف اهل سنت در کتاب الکشاف درباره شأن نزول سوره هل اتی از ابن عباس روایت می کند - که این روایت را ما از زمخشری نقل می کنیم که معلوم شود این مطلب به شیعه اختصاص ندارد:

أن الحسن والحسين مرضا فعادهما رسول الله ﷺ في اناس معه

جایگاه امام حسن و امام حسین را در جامعه اسلامی ببینید که چه جایگاهی بوده با اینکه کودک بوده اند، هنگامی که مریض می شوند، حضرت رسول ﷺ و جمعی از اصحاب به عیادت این دو بزرگوار می روند.

فقال: يا أبا الحسن لو نذرت علي ولدك

«لو» اینجا، التماسی و طلبی است؛ یعنی کاش نذری می کردی.

تفاوتی که «وَلَد» با «وُلْد» در زبان عرب دارد این است که «وَلَد» بر فرزندان اطلاق می شود، اعم از اینکه یکی باشد یا بیشتر؛ «وُلْد» اما به همه خانواده گفته می شود و علاوه بر فرزندان شامل همسر هم می شود.

فنذر علي وفاطمة وفضة جاریة لهما إن بریا مآبهما أن يصوموا ثلاثة أيام. فشفيا وما معهما شيء

در حالی آن دو بزرگوار شفا پیدا کردند که چیزی در خانه فاطمه ﷺ نبود.

فاستقرض علي من شمعون الخيبري اليهودي ثلاثة أصواع من شعير

خود خیبر را حضرت رسول ﷺ در اختیار آنها قرار داد تا بکارند و مقداری به دولت دهند و مقداری را خودشان بردارند، با اینکه خیبر در اختیار رسول الله ﷺ بوده، و توسط حضرت امیر ﷺ فتح شده بود، مع

۱. ضمیر به رسول خدا ﷺ بر می گردد.

۲. وطار به معنای زیرانداز و دثار به معنای روانداز است.

۳. اختصاص؛ ص ۱۷۲.

ذلک خانواده رسول الله ﷺ این چنین بودند که احتیاج پیدا می کردند که از شمعون خیبری که در حقیقت اجیر رسول الله ﷺ در آن زمین ها بوده قرض بگیرند.

فطحت فاطمة صاعا فاخترت خمسة أقراص على عددهم فوضعوها بين أيديهم ليفطروا فوقف عليهم سائل فقال السلام عليكم يا أهل بيت محمد مسكين من مساكين المسلمين أطعموني أطعمكم الله من موائد الجنة فأثروه وابتاعوا ولم يذوقوا إلا الماء

در سورة هل اتی و داستان آن نکات فراوانی وجود دارد، یکی از نکات این است که در روایت و آیه که دارد «مسکینا» یعنی یک مسکین و «یتیمان و اسیران» یعنی یک نفر بودند، نه چند نفر. ما به عقل معاشمان اگر فکر کنیم می گوئیم خب حضرت علی (ع) اگر قرص نانش را به مسکین داد، ۴ قرص نان باقی می ماند که بین هم تقسیم می کردند، چرا همه گرسنه شب خوابیدند؟ چرا همه قرص نان خودشان را به آن یک نفر بدهند؟ چند نکته وجود دارد:

یک نکته این است که از امتیازات رسول اکرم ﷺ این است که در مقام انفاق، آنچه دارند انفاق می کنند. و شاید هم نکته «علی حبه» فقط اشاره به این نباشد که اینها گرسنه بودند و نیازمند به این غذا بودند و مع ذلک دادند؛ بلکه نیازمند به این غذا بودند و همه آن غذا را دادند. شاید اگر یک مقدار از این طعام را نگه می داشتند، آن «علی حبه» به طور کامل تحقق پیدا نمی کرد. و مراد از این «حب»، نیاز به آن طعام است. نکته دیگر، نکته اقدا به معصوم است؛ در روایت داریم که اول حضرت امیر (ع) قرض نان خودشان را دادند؛ و پس از آن، حضرت زهرا (ع) اقتداء و امام حسن (ع) اقتداء و امام حسین (ع) اقتداء، و فضه هم اقتداء به معصوم قرض نان خود را به مسکین دادند.

در اصول فقه در جایی که بحث از حجیت فعل معصوم بحث کردیم، بیان کردیم که گاهی خود معصوم فعلی را انجام می دهد، بر فرض اینکه آن فعل برای معصوم مباح باشد \_ البته جای این بحث وجود دارد که معصوم فعل مباح دارد یا نه \_ اقتدا در انجام به این فعل مباحی که از معصوم سر زده فرضاً، مستحب می شود از باب اقتداء.

وأصبحوا صياماً فلما أمسوا ووضعوا الطعام بين أيديهم وقف عليهم يتيروا وأسير في الثالثة ففعلوا مثل ذلك. فلما أصبحوا أخذ على رضي الله عنه بيد الحسن والحسين فأقبلوا إلى رسول الله صلى الله عليه وآله فلما أبصرهم وهم يرعشون كالفرأخ من شدة الجوع، قال صلى الله عليه وآله ما أشد ما يسوءني ما

أرى بكم وقام فانطلق معهم فرأى فاطمة في محرابها قد التصق بطنها بظهرها وغارت عيناها فساءه  
ذلك فنزل جبرئيل وقال خذها يا محمد هتاك الله في أهل بيتك فأقرأه السورة<sup>١</sup>